



سیفلیس قلب‌تان را هدف می‌گیرد

این روستای کوچک با ابتکار رئیس شورا و اهالی‌اش به یکی از مقاصد اصلی گردشگری منطقه آزاد ارس تبدیل شده است

روستایی که موزه شد

فاش شدن تصاویری از تلفن همراه تاشوی جدید

زندگی



از مردم درباره دلخوشی‌های این روزهای‌شان پرسیدیم؛ این روزها چقدر تفریح می‌کنید؟

خوشبختی‌های کوچک



است. روزهایی که خانه ما است سرتاسر برای ما تفریح است. با هم آشپزی می‌کنیم، فیلم می‌بینم، عصر هم که می‌شود، از خانه بیرون می‌زنیم و هر دفعه يك جایی را برای تفریح انتخاب می‌کنیم. تازگی‌ها هم که در هر مجتمع تجاری، يك شهر بازی کودک درست شده است؛ برای همین دیگر کار برایمان خیلی راحت شده است. گشت و گذار با بچه‌ها آدم را سرحال می‌آورد.» اما تجربه نشان می‌دهد که شهر بازی بردن بچه‌ها همانا و بیرون نیا آمدنشان هم همانا؛ می‌پرسم هزینه‌های این چند روز در هفته شهر بازی بردن نوت‌هان برایتان زیاد نمی‌شود و او می‌گوید: «قبل از رفتن با او صحبت می‌کنم که مثلاً امروز حق انتخاب سه بازی را دارد؛ این‌طوری دیگر آنجا که می‌رویم مدام اصرار نمی‌کند که همه بازی‌ها را امتحان کند که خوب آن‌وقت هزینه‌هایمان خیلی بالا می‌رود.»

آینده‌نگری در برابر جوانی

علیرضا ۲۲ ساله و دانشجوی ترم آخر معماری است؛ دانشجویی که تازگی‌ها در يك شرکت نقشه‌کشی مشغول به کار شده است. وقتی درباره آخرین تفریحی که کرده می‌پرسم، خیلی روی نوع تفریحش تاکید دارد: «اگر منظورتان از تفریح، يك تفریح درست و حسابی است، آخرین بار برای اوایل تابستان است که با خانواده‌ام به مسافرت رفتیم و از آن موقع تا حالا، فقط مشغول کار کردن و درس خواندن هستم. غیر از آن هم گاهی آخر شب‌ها به هوای خوردن يك لیوان آب‌میوه یا بستنی، با دوستانم دور هم جمع می‌شویم و کمی انرژی می‌گیریم و دوباره فردا مشغول دانشگاه و کار می‌شویم؛ این نهایت تفریحی است که این روزها دارم.» علیرضا از آن جوان‌هایی است که خیلی تلاش می‌کند تا به قول خودش در این روزها، کار کند و به همه آن چیزهایی که دلش می‌خواهد در آینده برسد. شاید این بزرگ‌ترین دلیل برای این باشد که فعلاً خیلی به تفریح کردن فکر نمی‌کند؛ انگار همه هم و غم‌اش به‌دست آوردن پول بیشتر شده است: «گاهی وقت‌ها پیشنهاد دوستانم را برای سفرهای یکی‌دو روزه قبول نمی‌کنم. احساس می‌کنم در آینده خرج‌های مهم‌تری دارم که باید برای آن پس‌انداز کنم؛ البته نمی‌دانم کار درستی می‌کنم یا نه!»

تفریح، دوستانشان هستند. این را خانم سیف تا حدودی تایید می‌کند: «ما خیلی دغدغه بیرون رفتن نداریم. یعنی اگر قرار به تفریحی هم باشد بیشتر به خاطر پسرم است که خوب او هم بیشتر اوقات با دوست‌ها و همکلاسی‌هایش بیرون می‌رود. من و پدرش خیلی اهل بیرون رفتن نیستیم؛ راستش آرامش خانه را به هر جای شلوغ و پر رفت و آمد و پر سرو صدایی ترجیح می‌دهیم.» البته وقتی از آخرین باری که تفریح کرده‌اند می‌پرسم، خانم سیف خاطره‌های خوشی برای تعریف کردن دارد: «فکر می‌کنم عید سال گذشته بود که همراه با خانواده همسرم به قشم رفتیم. جمعیت‌مان زیاد بود و با این‌که هرچه تعداد بالا می‌رود، هماهنگی بین همسفرها سخت‌تر می‌شود، اما سفر خیلی خوبی برای همه‌مان بود. اگر منظورتان يك تفریح درست و حسابی است، نزدیک ترنشن همین مسافرت بود؛ بقیه‌اش در حد يك ناهار یا شام به مناسبت تولد یا سالگردی خاص در رستوران است.» موضوع جالب این بود که وقتی خانم سیف این‌ها را برایمان تعریف می‌کرد، هیچ شکایتی از اوضاع نداشت. انگار این ماجرا ربطی به وقت خالی و موضوعات مالی و هر چیز دیگری نداشت و واقعاً از روشی که در پیش گرفته بودند راضی بود.

ماجرای من و نوه‌ام

خانم نظری حالا بازنشسته است و سر و کله زدن با نوه‌اش تفریح این روزهایش است: «عروس من شاغل است و نوه‌ام يك‌روز خانه ما و يك‌روز خانه آن یکی مادر بزرگش

داده‌اند و حالا ظاهراً يك خانواده دو نفره هستند، اما حرف از تفریحات خانوادگی که می‌زنیم، پسرها و عروس‌های خانواده نقش مهمی در خاطره‌های خانم خانه دارند: «همین هفته پیش با همسرم دوتایی به شمال رفتیم اما راستش را بخواهید این‌طور مسافرت‌ها جنبه گردشگری برای من ندارد؛ برای ما که همه فامیل‌ها و اقوام‌مان آنجا هستند، بیشتر جنبه دید و بازدید برایمان دارد. من آن مسافرت‌هایی را دوست دارم که با پسرها و عروس‌هایم می‌رویم. آخرین باری که این‌طور مسافرت رفتیم، خرداد و تعطیلات عید فطر بود. با آنها که هستیم، هر روز يك‌جا را برای گشتن در شهر انتخاب می‌کنیم و این‌طوری يك تفریح واقعی داریم و گرنه از این‌خانه به آن‌خانه رفتن که تفریح نیست.» چیزی که در حرف‌های خانم خانه خیلی مشخص بود، این‌که سفرهای دسته‌جمعی با بچه‌هایش، خنده و شوخی بیشتری دارد؛ با بچه‌ها اگر هیچ‌جا هم نرویم خوش می‌گذرد، آنها حرف‌های خنده‌دار و بامزه می‌زنند و ما از بودن در کنارشان کیف می‌کنیم. این‌طور که معلوم است، برخلاف می‌آید: «فکر می‌کنم يك ماه و نیم پیش بود که هر دو پسرم برای بازی با پسرعمه‌شان، خانه‌خوهر همسرم بودند؛ ما هم از این فرصت استفاده کردیم و خودمان دوتایی به سینما رفتیم.» به نظر می‌رسد که سینما از آن تفریحاتی است که با بچه‌های سه‌چهارساله غیر ممکن است؛ برای همین هم آنها سعی می‌کنند اگر فرصتش پیش‌آمد، از دستش نهند.

نوجوان خانه را در یاب

انگار روال مرسومي است؛ این‌که بچه‌های جوان خانواده انتخاب همراهانشان را زن

تفریح از آن دسته کلمه‌هایی است که معنای بسیار متفاوتی برای هرکسی دارد. این موضوع وقتی روشن‌تر می‌شود که از آدم‌ها بپرسیم و سال‌های مختلف و فرهنگ و شرایط متفاوت درباره آخرین تفریحی که انجام داده‌اند بپرسیم و با طیف گسترده‌ای از تفریحات که شاید تا آن موقع، آن را تفریح به حساب نمی‌آوردیم، روبه‌رو شویم. آدم‌هایی که هرکدام درگیر روزمرگی‌هایشان هستند، اما بلاخره يك روزنه کوچک برای آرامش و شادی و احتمالاً خنده با شخص یا اشخاصی که دوستشان دارند، در لابه‌لای روزهایشان پیدا می‌کنند.

نرگس خانعلی زاده
جامعه
دوستشان دارند، در لابه‌لای روزهایشان پیدا می‌کنند.

هر دو شاغل هستند؛ خانم ساعت ۶ غروب به خانه می‌رسد و آقا هم ۹/۵ شب؛ «شب‌ها خیلی حوصله بیرون رفتن و تفریح نداریم. ترجیح می‌دهیم بیشتر فیلمی ببینیم و چیزی بخوریم و زود بخوابیم تا فردا بتوانیم سرحال بیدار شویم؛ اما راستش همان آرامش یکی دو ساعته آخرهای شب پای فیلم و سریال‌های مورد علاقه‌مان هم نوعی تفریح برای ما محسوب می‌شود؛ آنقدر که من گاهی لحظه‌شماری می‌کنم تا به خانه برسم و بساط شام و تنقلات و تلویزيون را به‌پا کنم.» اما منطق شاغل بودن و صبح زود بیدار شدن نشان باعث نشده است که تمام تفریحاتشان را به آخر هفته‌ها اختصاص بدهند: «آخرین باری که تفریح کردیم، همین چند روز پیش بود؛ همان روز که هوا بعد از مدت‌ها بارانی شده بود و من و همسرم، هردو کمی دیرتر از همیشه به سرکارمان رفتیم و آن ساعت‌های اول صبح را زیر باران قدم زدیم و بعدش هم در آن هوای دلچسب بارانی، خودمان را در يك کافه، صبحانه مهمان کردیم. آن روز پر انرژی‌تر از هر روز دیگر، به سرکار رفتیم.» از نظر خانم، این تفریحات دو نفره، بیشتر از گردش‌ها و حتی مسافرت‌های دسته‌جمعی برایشان لذت‌بخش است.

آخر هفته با پدر

بعضی وقت‌ها مادر و پدر خانواده اگر خودشان هم حال و حوصله تفریح و گشت و گذار نداشته باشند، به‌خاطر بچه‌ها، خودشان را به این کار مجبور می‌کنند. مثل خانواده چراغی که دو پسر بچه چهار و شش ساله دارند: «اگر هوا آلوده نباشد، این‌که همراه با دو فرزندم و قبل از آمدن همسرم، برویم گشتی در خیابان برنیم و کمی در پارک بازی کنیم و برای خانه و شام شب‌مان چیزی بخریم، از تفریحات هر روزه من و بچه‌ها است. واقعاً اگر این



info@amejandaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

شعار - دولت

پناهی از تهران:

دولت شعار حمایت از اقشار ضعیف و خانه‌دار کردن این افراد را می‌دهد ولی در عمل وام با سود بالا و اقساط سنگین و دریافت مبالغ اضافه و... را از متقاضیان دریافت می‌کند. بهتر است مسئولان دولت از منافع خود کم کنند و نیم‌نگاهی به مردم داشته باشند.

دست‌مزد - پایین

طیار از بابل:

پرداخت دست‌مزد در شهرستان‌ها طبق قانون کار نیست و به علت نبود نظارت در شهرستان‌ها، کارخانه‌ها، بنگاه‌های تولیدی و فروشگاه‌ها حقوق بسیار کمی به کارگران خود پرداخت می‌کنند.

گران - فروشی

رحیمی از تهران:

جراحی‌ها که برای گران‌فروشی کارخانه‌ها اتخاذ و دریافت می‌شود، چه نفعی برای مردم که آن کالا را گران خریده‌اند دارد؟ بهتر نیست شکل این جرایم به صورت ارزان‌فروشی کالا‌های آن شرکت متخلف ارائه شود؟

اینترنت - ایران‌سل

جمالی از تهران:

اینترنت اپراتور ایران‌سل در چند روز اخیر بسیار ضعیف شده است. این درحالی است که قیمت بسته‌های اینترنت بسیار گران است ولی خدمات و کیفیت در سطح بسیار پایین ارائه می‌شود.

کودکان - کار

مدرسی از تهران:

دستفروشان و کودکان کار در چهارراه تلفنخانه برای شهروندان مزاحمت ایجاد می‌کنند. آنها در وسط خیابان حاضر می‌شوند و این باعث خطرات احتمالی و تصادف می‌شود.

نیاز - معلولان

گاوایانی از تهران:

متأسفانه معلولان در سطح شهر تهران دارای کمترین امکانات هستند. ساخت و سازهایی که در شهر انجام می‌شود به نیازهای معلولان توجهی ندارد.

آلودگی - هوا

برزای از تهران:

اختصاص تسهیلات برای خرید و تولید دوچرخه و موتورسیکلت‌های برقی علاوه بر کاهش آلودگی هوا باعث افزایش اشتغال نیز می‌شود. امید است این حمایت از سوی دولت و شهرداری فراموش نشود.

جاده - بومهن

اگیزی از تهران:

قسمت‌هایی از جاده بومهن و رودهن بدون روشنایی است. با توجه به تردد زیاد خودروهای عبوری، احتمال تصادف افزایش یافته است.



۱۶



یادداشت

محمد اسماعیل سعیدی
عضو کمیسیون فرهنگی

از دواج آسان

در پیچ دولت

قانون تسهیل ازدواج حدود ۱۴ سال است که به علت بی‌توجهی دولتمردان فعلی و گذشته در دستگاه‌های اجرایی کشور خاك می‌خورد. در صورتی که اگر این قانون اجرا می‌شد، شاهد رفع بخش عمده‌ای از موانع ازدواج زوج‌های جوان بودیم و در سال‌های گذشته جوانان بیشتری طعم شیرین ازدواج را می‌چشیدند.

اما به نظر می‌رسد در این سال‌ها مسئولان اجرایی هم در این دولت و هم در دولت قبل، میلی به اجرای این قانون نداشته‌اند. البته معمولاً دولت‌ها نسبت به اجرای قوانینی که به نفع مردم باشد، مقاومت می‌کنند. قانون تسهیل ازدواج نیز از جنبه‌های مختلف به نفع زوج‌های جوان بود و از این جهت، دستگاه‌های اجرایی به اجرا روی خوشی نشان نمی‌دهند.

از جمله منافعی که اجرای این قانون می‌توانست برای جوانان در پی داشته باشد، تأسیس «صندوق اندوخته ازدواج جوانان» بود که قرار بود از طریق آن برای توانمندسازی جوانان در جهت تشکیل خانواده، به آنان تسهیلات ارائه شود. اما این صندوق دو سال بعد از تأسیس، به صندوق مهرام‌رضاء (ع) تبدیل و تسهیلات آن به‌شکل وام‌های اشتغال‌زایی ارائه شد. دولت فعلی نیز نام این صندوق را به صندوق کارآفرینی امید تغییر و نشان داد بیش از آن که به فکر تسهیل ازدواج جوانان باشد، به دنبال درآمدزایی خود از راه بازپس‌گیری وام‌های سنگین این صندوق است. از سویی دیگر، براساس قانون تسهیل ازدواج بنا بود دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی مانند شهرداری‌ها، تالارهای زیر نظرشان را برای برگزاری مراسم عروسی در اختیار جوانان قرار دهند. این قانون همچنین دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی را مکلف می‌کرد امکان تفریحی زیر مجموعه خود را برای ماه عسل زوج‌ها در اختیارشان بگذارند. اما این نهادها در سال‌های گذشته حتی از اجرای این بند از قانون نیز ظفر برافروخته‌اند و حتی دلشان نمی‌آید امکان تفریحی و تالارهای زیر نظر خود را به جوانان واگذار کنند.

مسئولان اجرایی در این دولت و دولت قبل، پیش‌بینی نشدن منابع مالی برای اجرای قانون تسهیل ازدواج را به عنوان مهم‌ترین دلیل برای اجرا نکردن آن عنوان کرده‌اند. در صورتی که این موضوع نباید بهانه‌ای به دست دولتمردان برای استکفاف از اجرای این قانون بدهد؛ زیرا در شرایطی که منابع مالی ناشی از اجرای يك قانون در متن آن پیش‌بینی نیز نشده باشد، بازهم دولت باید با در نظر گرفتن اعتبارات لازم در بودجه‌های سنواتی، قانون مصوب مجلس را بی‌کم و کاست اجرا کند. اتفاقی که در ۱۴ سال گذشته نیفتاده است.

تسهیل شرایط برای خانه‌دار شدن جوانان یکی دیگر از بندهای مهم قانون تسهیل ازدواج بود. البته دولت قبل در این راستا طرح مسکن مهر را به راه انداخت، طرحی که اجرای درست آن می‌توانست نقش پررنگی در حل مشکل مسکن جوانان ایفا کند.